مطالعات تاریخ اسلام
سال دهم / شمارهٔ ۳۶/ بهار ۱۳۹۷

بیگم‌های بوپال (بهوپال) و تاریخ‌نگاری

سعید شیرازی[۱]
علی بیات[۲]

چکیده: پس از تضعیف حکومت مغولان هند، حکومت‌های محلی متعددی در سراسر شبه‌قاره هند پدید آمدند. نواب بوپال نیز یکی از این حکومت‌ها بود که در مرکز شبه‌قاره هند شکل گرفت. حکومت نواب بوپال به دلیل بیش از یک سده حکومت زنان (بیگم‌های بوپال) در تاریخ اسلام منحصربه‌فرد است. بیگم‌های بوپال در طول حکومتشان اصلاحات متعددی در زمینه‌های مختلف انجام دادند و بدین ترتیب، دوره طلایی حکومت نواب بوپال شکل گرفت. سه تن از بیگم‌ها یعنی سکندر بیگم، شاهجهان بیگم و سلطان جهان بیگم، با نوشتن کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌هایشان، نقش مهمی در تدوین تاریخ نواب بوپال ایفا کردند. در این مقاله به بررسی نقش بیگم‌ها در این زمینه و معرفی آثار آنان پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: شبه‌قاره هند، بوپال، نواب بوپال، بیگم‌های بوپال، تاریخ‌نگاری

۱ عضو هیئت علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی(نویسنده مسئول) saied.shirazi1382@gmail.com
۲ دانشیار دانشگاه تهران abayat@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۳۰ تاریخ تایید: ۹۶/۱۲/۱۲

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

Begums of Bhopal and Historiography

Saeed Shirazi[1]
Ali Bayat[2]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

Abstract: After decline of the Mughal Empire, many local governments emerged across Indian Subcontinent. Nawabs of Bhopal was one of these local states in central Indian subcontinent. Nawabs of Bhopal's reign for more than one century ruled by women (Begums of Bhopal), is unique in Islamic history. Begums of Bhopal during their government carried out numerous reforms in various fields, and thus the golden age of Nawabs of Bhopal government appeared. By writing historical books and their travel literature, three of begums, i.e. Sikandar Begum, Shahjahan Begum, Sultan Jahan Begum, played an important role in writing the history of Nawabs of Bhopal. In this paper, the role of Begums of Bhopal in this field is studied and their works are introduced.

Keywords: The Indian subcontinents, Bhopal, Nawabs of Bhopal, Begums of Bhopal, Historiography

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

1 Faculty Member of Encyclopaedia Islamica Foundation (Corresponding Author), saied.shirazi1382@gmail.com
2 Associate Professor of Tehran University, abayat@ut.ac.ir

مقدمه

تاریخ‌نگاری اسلامی در هند به‌صورت رسمی با کتاب *تاج المآثر* به زبان فارسی در اوایل سده هفتم هجری آغاز شد. در بین سلاطین مسلمان هند، فیروزشاه تغلق (حک: ۷۵۲-۷۹۰ق.)، نخستین سلطان مسلمان هند بود که در سده هشتم هجری کتاب *فتوحات فیروزشاهی* را در شرح اقداماتش نوشت.[۱] کتاب وی به‌عنوان یکی از منابع اصلی تحقیق درباره حکومت تغلقیان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به زبان‌های اردو و انگلیسی نیز ترجمه شده است. پس از فیروزشاه تغلق، سلاطین مسلمان دیگری نیز در هند به نوشتن شرح حوادث زندگی و حکومت خود پرداختند که از مشهورترین آنان می‌توان به *بابرنامه* اثر بابر (حک: ۹۳۲-۹۳۷ق.)، بنیان‌گذار سلسله بابریان و *جهانگیرنامه* یا *توزک جهانگیری* اثر جهانگیر (حک:۱۰۱۴-۱۰۳۷ق.) اشاره کرد که کتاب‌هایشان از منابع اصلی تاریخ دوره بابریان به‌حساب می‌آیند.[۲]

زنان نیز در تاریخ مسلمانان هند بر حوادث و رویدادهای عصر خود تأثیر گذاشته‌اند. نخستین سلطان زن مسلمان در هند رضیه سلطان (حک: ۶۳۴-۶۳۷ق.) از سلاطین مملوک دهلی (حک: ۶۰۲-۶۸۹ق.) بود.[۳] پس از وی در دوره بابریان (حک: ۹۳۲-۱۲۴۷ق.) نیز زنان بسیاری در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بودند. در بین این زنان، گلبدن بیگم (د: ۱۰۱۱ق.)، خواهر همایون، نخستین کسی بود که به درخواست برادرزاده‌اش اکبر (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق.) کتابی با عنوان *همایون نامه* یا *گلبدن نامه* را در شرح حوادث دوران حکومت برادرش همایون نوشت.[۴]

پس از تضعیف حکومت بابریان، حکومت‌های محلی بسیاری در هند پدید آمدند که

---

۱ فیروزشاه تغلق هدف خود از نوشتن این کتاب را ذکر عطایای ربانی دانسته تا از این طریق شکر خدا را به‌جای آورد؛ فیروزشاه تغلق (۱۹۵۴)، *فتوحات فیروزشاهی*، تصحیح شیخ عبدالرشید، علی‌گره: مسلم یونیورستی، ص۲.

۲ برای اطلاعات بیشتر درباره این دو کتاب و اهمیت آن‌ها نک: اصغر آفتاب (۱۳۶۴)، *تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، صص۵۷، ۲۴۷.

۳ رضیه سلطان دختر شمس‌الدین التتمش بود که پدرش به‌رغم داشتن پسر، لیاقت او برای حکومت را تأیید کرد و او را به جانشینی خود انتخاب نمود. در مورد رضیه سلطان و شرح حکومت او نک: منهاج سراج جوزجانی (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب، صص۴۵۷-۴۶۲.

۴ برای آشنایی بیشتر با این کتاب نک: گلبدن بانو (۱۳۸۳)، *گلبدن نامه(همایون نامه)*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات ثریا، مقدمه ایرج افشار، صص۹-۱۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

یکی از مشهورترین آن‌ها حکومت نواب بوپال بود. حکومت نـواب بوپـال (حـک: ۱۱۱۹–۱۳۶۹ ق.) را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد. مرحله نخست حکومت مردان و مرحله دوم نیز حکومت زنان (بیگم‌های بوپال) بود که بیش از یک سده ادامه داشـت. دوره بـیگم‌هـای بوپال را می‌توان اوج حضور زنان در رأس امور سیاسی، فرهنگـی و اجتمـاعی در تـاریخ هنـد دوره اسلامی و حتی در سراسر تاریخ جهان اسلام دانست. حکومت بـیگم‌هـا، عصـر طلایـی حکومت نواب بوپال بود.[۱]

بیگم‌های بوپال به‌عنوان حاکمان زن نقش مهمی در تدوین تـاریخ دویسـت و پنجـاه‌سـاله نواب پوپال داشتند. آثار نوشته‌شده توسط بیگم‌های بوپال، به‌عنوان مهـم‌تـرین منـابع پـژوهش درباره تاریخ نواب بوپال مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرند و بـا نگـاهی بـه فهرسـت منابع مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شـده دربـاره حکومـت نـواب بوپـال چـون آثـار شـهریار محمدخان[۲] و لامبرت هارلی[۳] می‌توان به این نکته پی برد که آثار برجای‌مانده از بـیگم‌هـای بوپال، مهم‌ترین منابع این تحقیقات به شمار می‌روند؛ به‌طوری‌که اگر این آثـار مـورد اسـتفاده قرار نمی‌گرفتند عملاً امکان پژوهش درباره این سلسله نیز وجود نداشت. اهمیت و ارزش این منابع برای تحقیق درباره این بخش از تاریخ هند به اندازه‌ای است که موجب شده تمامی ایـن آثار به انگلیسی ترجمه و چاپ شوند.[۴]

این دوره از تاریخ هند اسلامی، نه‌تنها به دلیل حضور حاکمان زن مسـلمان در رأس امـور تجربه‌ای منحصربه‌فرد در جهان اسلام به شمار می‌رود بلکه به دلیل روابط نواب و بـه‌ویـژه بیگم‌های بوپال با انگلیسی‌ها، اصلاحات متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چـون توجـه بـه تعلیم و تربیت دختران و ساخت مدارس دخترانه، ساخت مراکز بهداشتی خاص زنان، تألیف آثار متعدد ادبی، تاریخی و به‌طورکلی تجربه‌ای که از حکومت زنان در جهـان اسـلام ارائـه

---

۱ برای توافقنامه نک: شاهجهان بیگم (۱۲۸۹)، *تاج الاقبال تاریخ ریاست بهوپال*، به اهتمام محمد عبدالرحمن‌بن‌حـاجی محمد روشن خان، کانپور: مطبع نظامی، دفتر اول (متن فارسی)، صص۳۵-۳۹؛ همچنین برای اصلاحات انجام شـده در این دوره نک: ادامه مقاله.

2 M. Khan Shaharyar (2000), *The Begums of Bhopal a Dynasty of Women Rulers in Raj India*, New York-London: I.B.Tauris.

3 Lambert-Hurley Siobhan (2007), *Muslim women, reform and princely patronage Nawab Sultan Jahan Begam of Bhopal*, London and New York

۴ برای اطلاعات بیشتر درباره چاپ این منابع و ترجمه و چاپ آن‌ها به انگلیسی به ادامه مقاله رجوع کنید.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

می‌کنند از اهمیت بسیاری برخوردار است[۱] و ازاین‌جهت، امکان انجام پژوهش‌های متعددی درباره تاریخ نواب بوپال وجود دارد؛ اما در جامعهٔ علمی ایران و به زبان فارسی تقریباً هیچ توجه‌ای به این دوره از تاریخ هند اسلامی نشده است و مختصر تحقیقاتی نیز که انجام شده به دور از ایراد و اشتباه نیست.[۲] به نظر می‌رسد دلیل اصلی عدم توجه به این حوزه از تاریخ هند اسلامی و نقص‌ها و اشتباهات موجود در تحقیقات انجام شده، در درجه اول ناشی از عدم آشنایی پژوهشگران ایرانی با تاریخ این دوره و به تبع آن منابع این دوره باشد. به همین منظور، هدف اصلی این نوشتار تلاش برای آشنایی کلی با این سلسله و معرفی مهم‌ترین منابع تاریخ آن‌ها و بیان اهمیت هریک از این آثار است که همگی از تألیفات خود بیگم‌های بوپال نیز هستند تا مقدمات لازم برای انجام پژوهش‌های بعدی درباره جنبه‌های مختلف تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نواب بوپال و به تبع آن بیگم‌های بوپال فراهم شود.

۱. ضرورت و پیشینه تحقیق

بدون تردید از نخستین اقدامات لازم برای انجام پژوهش‌های تاریخی، آشنایی با منابع دوره موردنظر و استفاده مناسب از آن‌هاست. هرچند، حکومت نواب بوپال از جهات گوناگون از اهمیت بسیاری برخوردار است و امکان پژوهش‌های متعدد درباره این سلسله وجود دارد، اما پژوهشگران ایرانی توجه چندانی به این دوره از تاریخ و تمدن اسلامی نداشته‌اند و از معدود تحقیقاتی که در مورد این دوره از تاریخ اسلام انجام شده دو مقاله درباره سفر حج شاهجهان بیگم و روابط انگلیسی‌ها با بیگم‌های بوپال است که آن‌ها نیز به دلیل عدم آشنایی مؤلفان محترم با این دوره تاریخی و منابع آن، دارای نقایص و اشتباهات اساسی‌اند.

مقاله نخست با عنوان «گزارش سفر حج بانوی هندی شاهجهان بیگم در سال ۱۲۸۰ق.» است که مؤلف محترم مقاله پس‌ازاینکه به‌اختصار به معرفی نواب بوپال و شاهجهان بیگم پرداخته، فصل هفتم از دفتر دوم کتاب *تاج الاقبال* اثر شاهجهان بیگم را با عنوان «در بیان سفر مکه معظمه زاد الله شرحها»، به‌عنوان شرح سفر شاهجهان بیگم به مکه آورده است و اشاره می‌کند که «این

---

۱ اقدامات و اصلاحات اجتماعی و فرهنگی انجام شده توسط بیگم‌های بوپال خود به‌عنوان پژوهش‌هایی مستقل می‌توانند موردتوجه قرار بگیرند اما برای نمونه‌هایی از این اقدامات نک:
Lambert-Hurley, Ibid, pp.4-5, 97-99, 132-136.

۲ برای این مقالات نک ادامه مقاله، ضرورت تحقیق.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

سفر در بیست و دوم جمادی الاولی سال ۱۲۸۰ توسط شاهجهان بیگم به همراه ملازمان خاص وی صورت گرفته و...». وی همچنین در ادامه مقاله به این موضوع نیز اشاره می‌کند که متن کامل سفرنامه به‌صورت مجزا نوشته شده و متن انگلیسی آن به چاپ رسیده است.[۱] هرچند، مؤلف مقاله مطالبی را که در ادامه مقاله آورده شرح سفر شاهجهان بیگم به مکه دانسته، اما شاهجهان بیگم همان‌گونه که خودش تصریح کرده هرگز به مکه سفر نکرده است[۲] و فصل هفتم از دفتر دوم *تاج الاقبال* همان‌گونه که شاهجهان بیگم نیز تأکید می‌کند «هرگاه والده ماجده از انتظام ریاست فراغت یافتند عزم سفر کعبه کردند و...»[۳] در واقع، شرح سفر سکندر بیگم (حک: ۱۲۶۴–۱۲۸۵ق.) و قدسیه بیگم (حک: ۱۲۳۵–۱۲۵۳ق.)، مادر و مادربزرگ شاهجهان بیگم به مکه است. متن کامل این سفرنامه که توسط سکندر بیگم نوشته شده با عنوان *زیارت مکه*[۴] به انگلیسی ترجمه و چاپ شده است.[۵] مؤلف محترم مقاله فوق، به دلیل عدم آشنایی با موضوع و منابع این دوره، دچار چنین اشتباه فاحشی شده است.

علاوه بر مقاله فوق، مقاله دیگری به زبان عربی با عنوان «البیغمات او الملکات المسلمات لبهوبال و استعمار الانجلیز» توسط تعدادی از پژوهشگران ایرانی نوشته شده است. هرچند، مؤلفان محترم مقاله به موضوع مهمی درباره تاریخ بیگم‌های بوپال یعنی روابط آن‌ها با انگلیسی‌ها پرداخته‌اند، اما ظاهراً به دلیل عدم آشنایی با آثار بیگم‌های بوپال – که بخش زیادی از حجم این آثار به روابط بین آن‌ها و انگلیسی‌ها اختصاص‌یافته و متن بسیاری از اسناد و نامه‌هایی که بین آن‌ها ردوبدل شده نیز در این آثار آمده است – از آن‌ها بهره‌ای نبرده‌اند و ازاین‌جهت، این تحقیق نیز دچار نقص است.[۶] وجود اشتباهات و نواقص مهمی ازاین‌دست ضرورت آشنایی با این سلسله و منابع مربوط به آن را برای انجام دادن پژوهش‌های بعدی

---

۱ اکرم حسن‌آبادی (۱۳۸۸)، «گزارش سفر حج بانوی هندی شاهجهان بیگم، در سال ۱۲۸۰»، *پیام بهارستان*، د۲، س۱، ش۳، صص۶۴۱-۶۴۲.

۲ هرچند شاهجهان بیگم علاقه بسیاری برای رفتن به حج داشته اما به دلیل ترس از بیماری و سفر دریایی به حج نرفت. نک:

M. Khan Shaharyar (2000), *The Begums of Bhopal a Dynasty of Women Rulers in Raj India*, New York-London: I.B.Tauris, p.143.

۳ شاهجهان بیگم، دفتر دوم (متن فارسی)، ص۳۸.

4 *A Pilgrimage to Mecca*.

۵ برای اطلاعات بیشتر درباره سفرنامه و مؤلف آن نک: ادامه مقاله.

۶ برای منابع مورد استفاده در این مقاله نک: منظور الاجداد و دیگران (۲۰۱۰/۱۴۳۱)، «البیغمات او الملکات لبهوبال و استعمار الانجلیز» *مجلة العلوم الانسانیة الدولیة*، العدد۱۷(۴)، صص۳۳-۴۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

بیشتر آشکار می‌کند. در ادامه ابتدا به معرفی کلی این سلسله و سپس معرفی منابع این دوره از تاریخ هند و اهمیت هریک از این منابع پرداخته خواهد شد.

۲. نواب بوپال

با درگذشت اورنگ زیب (حک: ۱۰۶۸–۱۱۱۸ق.)، دوره ضعف و سقوط حکومت بابریان نیز آغاز شد و حکومت‌های محلی متعددی در سراسر هند شکل گرفت.[۱] حکومت نواب بوپال نیز ازجمله مهم‌ترین این حکومت‌ها بود که توسط دوست محمدخان (حک: ۱۱۱۹–۱۱۴۱ق.)، شکل گرفت. وی از پشتوهای منطقه تیراه[۲] (منطقه کوهستانی بین افغانستان و پاکستان امروزی) بود که در اوایل سده دوازدهم هجری به هند رفت و به خدمت ارتش بابریان درآمد و صاحب جاگیر (اقطاع) شد. وی نیز مانند دیگر حاکمان محلی از ضعف حکومت بابریان استفاده کرد و بدین ترتیب، حکومت نواب بوپال در بوپال (امروزه شهری مهم و مرکز ایالت مَدهیاپرادش در مرکز هند) شکل گرفت.[۳] پس از دوست محمدخان، جانشینان وی برای حفظ قلمروشان، دائماً به نزاع و جنگ با حکومت‌های اطراف مشغول بودند.[۴] این جنگ‌ها ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۸۱۸م./۱۲۳۴ق. نظر محمدخان (حک: ۱۲۳۲–۱۲۳۵ق.)، ششمین نواب بوپال، عهدنامه‌ای را با انگلیسی‌ها امضاء کرد که بر اساس آن، حکومت نواب بوپال تحت‌الحمایگی انگلستان را پذیرفت و بدین ترتیب، از تهدیدهای خارجی رهایی پیدا کرد و دوره طلایی حکومت نواب بوپال شکل گرفت.[۵]

پس از درگذشت نواب نظر محمدخان، با توجه به اینکه وی فرزند پسری نداشت همسرش قدسیه بیگم (حک: ۱۲۳۵–۱۲۵۳ق.) در هجده‌سالگی به نیابت از دخترش سکندر بیگم اداره امور حکومت بوپال را در دست گرفت و بدین ترتیب، حکومت زنان (بیگم‌های) بوپال آغاز شد. پس از قدسیه بیگم، هرچند باید قدرت به سکندربیگم واگذار می‌شد اما برای مدتی همسرش نواب جهانگیرمحمد خان(حک:۱۲۵۳–۱۲۶۰ق)، و پس از درگذشت وی

۱ برای اطلاعات بیشتر درباره حکومت بابریان پس از اورنگ زیب نک: آنه ماری شیمل (۱۳۸۶)، *در قلمرو خانان مغول*، ترجمهٔ فرامرز نجد سمیعی، تهران: امیرکبیر، صص۵۷–۶۸.

2 Tirăh

3 Imperial Gazetteer of India (1908), viii, Oxford: Clarendon press, p.128; Khan, pp.1-19.

4 Imperial Gazetteer of India (1908), viii, pp.128-130; Claudia Preckel (2011), "BHOPAL" EI3, Vi, Leiden. Boston: Brill, p.124.

5 Khan, Ibid, pp.68-69.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

دختر خردسال او شاه جهان بیگم(حک: ۱۲۶۰-۱۲۶۴ق) به قدرت رسیدند. تا اینکه در سال ۱۲۶۴ شاه جهان بیگم رسماً حکومت را به مادرش سکندربیگم (حک: ۱۲۶۴-۱۲۸۴ق)، واگذار کرد. پس از سکندر بیگم، شاهجهان بیگم (حک: ۱۲۸۴-۱۳۱۹ق.) و سلطان جهان بیگم (حک: ۱۳۱۹-۱۳۴۵ق.) به قدرت رسیدند تا اینکه سلطان جهان بیگم سرانجام در سال ۱۹۲۵م./۱۳۴۴ق. به لندن رفت تا تأیید جرج پنجم[1] (حک: ۱۹۱۰-۱۹۳۶م.) را برای واگذاری حکومت به پسرش حمیدالله خان (حک: ۱۳۴۵-۱۳۶۹ق.) آخرین نواب بوپال به دست آورد. وی در سال ۱۹۲۶م./۱۳۴۵ق. در لندن به نفع پسرش از حکومت کناره گرفت و حمیدالله خان آخرین نواب بوپال قدرت را در دست گرفت و بدین ترتیب، بیش از یک سده حکومت بیگم‌های بوپال پایان یافت.[2]

حکومت بیگم‌های بوپال درخشان‌ترین دوره حکومت نواب بوپال و عصر طلایی حکومت آنان به‌ویژه ازنظر فرهنگی محسوب می‌شود. بیگم‌های بوپال در طول حکومتشان با حمایت انگلیسی‌ها دست به اصلاحات متعددی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زدند. در این دوره بوپال در زمینه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت زنان و دختران و نیز بهداشت و پزشکی در سراسر هند پیشگام بود و مدارس و مراکز آموزشی متعددی به شیوه‌های نوین توسط بیگم‌های بوپال شکل گرفت.[3]

۳. بیگم‌های بوپال و تاریخ‌نگاری

دومین حاکم زن بوپال، سکندر بیگم، دختر نواب نظر محمدخان و نواب قدسیه بیگم بود که در ۱۲۳۲ق. به دنیا آمد. سنت تاریخ‌نگاری در بین بیگم‌های بوپال در دوره حکومت وی آغاز شد. سکندر بیگم نخستین بیگم بوپال بود که در ۱۲۶۸ق. به تشویق انگلیسی‌ها درصدد تألیف کتابی درباره تاریخ نواب بوپال برآمد و حدود هفده سال را صرف جمع‌آوری اسناد و مدارک لازم برای تألیف کتابی درباره تاریخ بوپال کرد؛ اما پیش از اینکه کتاب را کامل کند درگذشت و بدین ترتیب کار او ناتمام ماند.[4] هرچند، اقدام سکندر بیگم در تألیف تاریخ

1 George V.

2 Preckel, Ibid, pp.126-127; Khan, pp119-187.

۳ برای اطلاعات بیشتر درباره اقدامات بیگم‌های بوپال نک: حیات شاهجهانی [بی‌تا]، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره، صص ۱۵۰-۱۵۲، ۴۸-۵۱؛ Lambert-Hurley, pp.3-4, 37-41, 126.

۴ شاهجهان بیگم، دفتر اول (فارسی)، دیباچه، ص۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

بوپال نتیجه‌ای دربر نداشت، اما این کار زمینه لازم را برای جلب‌توجه بیگم‌های بعدی به تدوین تاریخ بوپال فراهم کرد.

هرچند کتاب وی به دلیل وفاتش ناتمام ماند، اما از سکندربیگم دو کتاب برجای‌مانده است که می‌توان از آن‌ها برای آشنایی با تاریخ نواب بوپال و تاریخ مکه در سده سیزدهم هجری بهره برد. وی در سال ۱۲۸۰ق. به حج رفت و پس از بازگشت به هند، در سال ۱۲۸۴ق. به درخواست دیورند[۱] همسر مأمور سیاسی بریتانیا در بوپال، شرح سفر خود را به زبان اردو نوشت و به او داد. سپس نسخه‌ای دیگر از سفرنامه را به مأمور سیاسی بعدی بوپال داد[۲] که همسر او خانم ویلبی آزبرن[۳] با اجازه سکندربیگم شروع به ترجمه این سفرنامه به زبان انگلیسی کرد. پیش از اتمام ترجمه، سکندربیگم درگذشت و ترجمه کتاب در سال ۱۸۶۹م./۱۲۸۶ق. کامل شد و در سال ۱۸۷۰م./۱۲۸۷ق. با عنوان *زیارت مکه* با افزودن دو ضمیمه درباره تاریخ مختصر بوپال و نیز معرفی اماکن مقدس مکه و عکس‌هایی از بیگم‌های بوپال در لندن به چاپ رسید.[۴] متن اردوی سفرنامه به چاپ نرسیده و همین موضوع موجب اهمیت یافتن این ترجمه شده است. سفرنامه مذکور اطلاعات مفیدی درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی مکه در اواخر سده سیزدهم هجری ارائه می‌کند.[۵] چنانکه در بخشی از سفرنامه، سکندربیگم تصویری واضح از اوضاع مکه و مدینه ارائه داده است و اشاره می‌کند که به‌رغم علاقه‌ای که برای رفتن به مدینه داشت، اما به دلیل اینکه بدوی‌ها راه مکه به مدینه را ناامن کرده بودند از رفتن به مدینه منصرف شده و به هند بازگشته است.[۶] ازجمله ویژگی‌های مهم این سفرنامه که می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد می‌توان به متن نامه‌های متعددی که بین سکندربیگم و مأموران بریتانیای هند و شریف و پاشای مکه ردوبدل شده تا شرایط لازم برای سفر وی به مکه فراهم شود و نیز مسیری که وی طی کرده تا از آن طریق به مکه برسد، اشاره کرد.[۷] از دیگر گزارش‌های جالب این سفرنامه درخواست سکندر

---

1 Durand.

2 Nawab Sikandar Begum (1870), *A Pilgrimage To Mecca*, translated by: Mrs. Willoughby- Osborne, Followed by A Historical sketch of the reigning family of Bhopal BY Lieut-col. Mrs. Willoughby-Osborne, C.B. Political Agent in Bhopal, And an appendix translated by: The Rev. William Wilknson, London: Wm.H.Allen & Co, pp.3-4.

3 Willonghby-Osbron.

4 Nwab Sikandar Begum, translators Preface, pp. ix-xii.

۵ برای نمونه نک: Ibid, pp.36, 82-88

6 Ibid, pp.148-156.

۷ برای نمونه‌هایی از این نامه‌ها نک: Ibid, pp.63-73, 117-158.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

بیگم از یکی از علمای ترک حاضر در مکه برای ترجمه قرآن به زبان ترکی است که مضمون نامه‌هایی که برای مشورت و کسب اجازه درباره این موضوع به شریف مکه نوشته را نیز در سفرنامه آورده است.[۱]

اثر دیگر سکندر بیگم کتاب *آیین سکندری* است که متن اصلی کتاب به زبان فارسی نوشته شده و پس‌ازآن به دستور شاهجهان بیگم کتاب به زبان اردو ترجمه و متن فارسی و ترجمه اردوی آن در یک مجلد به چاپ رسیده است. کتاب به شیوه کتاب‌های آیین‌نامه به موضوعات مختلف مرتبط با نحوهٔ حکومت چون رفتار با مردم، تعلیم و تربیت جانشینان، مسئله جانشینی و... پرداخته[۲] و ازاین‌جهت که دیدگاه حاکمان بوپال درباره موضوعات ذکرشده را نشان می‌دهد دارای اهمیت است.

شاهجهان بیگم، سومین بیگم بوپال در سال ۱۲۵۴ق. متولد شد. از وی آثار متعددی در حوزه‌های مختلف ادبی، تاریخ و نیز تعلیم و تربیت برجای‌مانده است. ازجمله آثار او می‌توان به: *تهذیب النسوان و تربیت الانسان*، دیوان اشعار اردوی او *تاج الکلام* و دیوان اشعار فارسی او *دیوان شیرین* اشاره کرد.[۳]

از مهم‌ترین آثار تاریخی برجای‌مانده از دوره بیگم‌های بوپال، کتاب *تاج الاقبال تاریخ ریاست بوپال*، اثر شاهجهان بیگم است که با نوشتن این اثر سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌های بوپال رسمیت پیدا کرد. شاهجهان بیگم در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که پس‌ازاینکه کار مادرش سکندر بیگم در جمع‌آوری و تدوین تاریخ بوپال به دلیل وفاتش ناتمام ماند، او تصمیم گرفت تا تاریخ نواب بوپال را ثبت کند. به همین خاطر، در محرم ۱۲۸۸ق. شروع به نوشتن *تاج الاقبال* کرد و در محرم ۱۲۸۹ق. کار تألیف آن پایان یافت. هرچند شاهجهان بیگم به منابع مورداستفاده‌اش برای تألیف این کتاب اشاره‌ای نکرده است، اما با توجه به اینکه وی در مقدمه کتاب تأکید کرده که این کتاب را باهدف تکمیل کار ناتمام مادرش انجام داده است به نظر می‌رسد که از منابع و اسنادی که مادرش طی هفده سال جمع‌آوری کرده بود برای تألیف این اثر بهره برده است. متن اصلی کتاب به زبان فارسی در سه دفتر (جلد)، مجزا در

---

1 Ibid, pp.98-99.

۲ سکندر بیگم [بی‌تا]، *آیین سکندری*، بهوپال، مقدمه سلطان جهان بیگم، ص۵.

۳ برای آشنایی بیشتر با آثار و تألیفات دیگرشاهجهان بیگم نک: سلطان جهان بیگم، حیات شاهجهانی، ص۴۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

یک مجلد نوشته شد و متن اردوی آن‌هم به همین ترتیب نوشته شد و در سال ۱۲۸۹ق. متن فارسی و اردوی کتاب به‌صورت مجزا در مطلع نظامی کانپور[1] به اهتمام محمد عبدالرحمن‌بن‌حاجی محمد روشن‌خان به چاپ رسیده است.[2]

تاج الاقبال تاریخ نواب بوپال را از آغاز شکل‌گیری حکومت آنان توسط دوست محمدخان تا اوایل سال ۱۲۸۹ق. شامل می‌شود و به همین دلیل این کتاب از مهم‌ترین منابع مربوط به تاریخ نواب بوپال به شمار می‌رود. دفتر اول کتاب، شرح حکومت نواب بوپال از آمدن دوست محمدخان به هند و شکل‌گیری حکومت نواب بوپال تا حکومت نواب جهانگیر محمدخان (پدر شاهجهان بیگم) را دربر می‌گیرد. دفتر اول کتاب به دلیل اینکه در بین آثار برجای مانده از بیگم‌های بوپال تنها اثری است که به دوره اول حکومت نواب بوپال پرداخته، از اهمیت بسیاری برخوردار است. ازجمله مطالب مهم این دفتر می‌توان به شرح چگونگی شکل‌گیری حکومت نواب بوپال توسط دوست محمدخان و توافق بین انگلیسی‌ها و نواب نظر محمدخان اشاره کرد که بر اساس آن، حکومت نواب بوپال تحت‌الحمایه انگلستان درآمد.[3]

دفتر دوم کتاب به حوادث مربوط به دوران حکومت پدر و مادر شاهجهان بیگم وزندگی خود او تا پیش از به قدرت رسیدن اختصاص دارد. هرچند دفتر دوم نسبت به دفتر نخست و دفتر سوم از اهمیت کمتری برخوردار است، اما در این بخش از کتاب نیز اطلاعات بسیاری درباره حکومت نواب بوپال پیش از به قدرت رسیدن بیگم‌ها و چگونگی به قدرت رسیدن زنان (بیگم‌ها) ارائه‌شده است.[4] دفتر سوم کتاب نیز به دوران حکومت خود شاهجهان بیگم از ابتدا تا آغاز ۱۲۸۹ ق. اختصاص‌یافته و اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دوره را ترسیم می‌کند. چنانکه، در این دفتر شاهجهان بیگم به شرح اصلاحات خود در حوزه‌های مختلف به‌ویژه درزمینهٔ ساخت مراکز آموزشی و مدارس دخترانه پرداخته است.[5] از دیگر مطالب مهم کتاب که برای پژوهش درباره تاریخ بوپال از اهمیت زیادی برخوردار است

1 Kanpur.

۲ شاهجهان بیگم، دفتر اول (فارسی)، دیباچه، صص۳-۴.

۳ برای نمونه نک: شاهجهان بیگم، دفتر اول (متن فارسی)، صص۴-۹، ۳۵-۳۹.

۴ برای اطلاعات بیشتر درباره محتویات و اهمیت این بخش از کتاب نک: شاهجهان بیگم، دفتر دوم.

۵ برای نمونه‌هایی از این اصلاحات نک: همو، دفتر سوم (متن فارسی)، صص۱۱-۲۲، ۶۱-۱۰۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

می‌توان به سرشماری نفوس و خانه‌های بوپال، برای نخستین بار در قلمرو نواب بوپال، بیان اوضاع اقتصادی بوپال و شرح درآمدها و مخارج حکومت بوپال و نیز اختصاص فصل هفتم این دفتر به تاریخ محلی بوپال اشاره کرد بیشتر این اطلاعات بر اساس اسناد حکومتی و دولتی آورده شده است.[۱]

دفتر سوم کتاب از جهت بررسی اوضاع سیاسی حکومت بوپال در دوره شاهجهان بیگم به‌ویژه درزمینهٔ روابط او با انگلیسی‌ها و آوردن متن نامه‌هایی که بین شاهجهان بیگم و انگلیسی‌ها ردوبدل شده و اعطای نشان‌هایی چون «تاج هند»[۲] از جانب انگلیسی‌ها به شاهجهان بیگم نیز دارای ارزش است.[۳] علاوه بر متن فارسی و اردوی کتاب، با توجه به اهمیت این کتاب برای پژوهش درباره تاریخ نواب بوپال، کتاب به انگلیسی نیز ترجمه و چاپ شده است. ترجمه انگلیسی کتاب نیز در سال ۱۸۷۶م./۱۲۹۳ق. در کلکته به چاپ رسیده و بارستو[۴] مترجم کتاب از مأموران سیاسی انگلستان در بوپال طی سال‌های ۱۸۷۴م./۱۲۹۱ق. تا ۱۸۷۵م./۱۲۹۲ق. بود و در همان زمان، کتاب را از روی متن اردو به انگلیسی ترجمه کرد.[۵]

سلطان جهان بیگم، دختر شاهجهان بیگم و نواب باقی محمدخان بود. وی آخرین بیگم بوپال بود که در ۱۲۷۵ق. به دنیا آمد و در ۱۳۴۹ق. درگذشت. از سلطان جهان بیگم آثار متعددی برجای مانده و به همین سبب، از وی می‌توان به‌عنوان نویسنده و مورخ نام برد. وی نوشتن کتاب‌هایی درباره تاریخ نواب بوپال را از مهم‌ترین وظایف خود می‌دانست و ازاین‌رو، کتاب‌های متعددی را درباره دوره‌های مختلف حکومت نواب بوپال نوشته و سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌های بوپال در زمان وی به اوج خود رسید و پس از وی نیز رو به انحطاط نهاد به‌طوری‌که برای آشنایی با تاریخ نواب بوپال چاره‌ای جز مراجعه به آثار متعدد سلطان جهان بیگم وجود ندارد. هرچند، سلطان جهان بیگم مورخ نبوده، اما با توجه به علاقه‌ای که به ثبت حوادث مربوط به حکومت نواب بوپال داشت و آن را جزو وظایف اصلی خود و

---

۱ برای نمونه‌هایی از این اسناد و اطلاعات آن‌ها نک: همان، صص۹۵-۱۰۴.

2 The Crown of India.

۳ همان، صص۱۱-۱۵، ۳۹-۵۰.

4 Barstow.

5 Shahjahan Bgum (1876), *Taj-ul Ikbal Tarikh Bhopal or The History of Bhopal*, Translated by H. C. Barstow, Calcutta: Thackers, Spink And Co, translators preface, pp. iiv-iv.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

ابزاری برای عبرت‌آموزی آیندگان می‌دانست سعی کرد تا مطالب خود را به‌صورت مستند بیان کند و به همین دلیل، در موارد متعدد از اسناد رسمی، مشاهدات شخصی و روایت افراد موثق به‌عنوان منابع اصلی خود برای نوشتن آثارش نام‌برده و در تمامی آثار برجای مانده از وی تعداد بسیاری از اسناد و نامه‌های رسمی بدون هیچ کم و کاستی با ذکر دقیق تاریخ‌نامه‌ها و اسناد و اطلاعات دیگر مربوط به آن‌ها ضبط‌شده است.[۱]

تزک سلطانی ازجمله آثار سلطان جهان بیگم است که وی از آن به‌عنوان «دفتر چهارم *تاج الاقبال*» نام برده است. این کتاب به زبان اردو در ۴۲۴ صفحه نوشته شده و در سال ۱۳۲۸ق. به چاپ رسیده است. سلطان جهان بیگم در تمهید (مقدمه)، کتاب ازجمله مهم‌ترین وظایف خود را نوشتن تاریخ نواب بوپال دانسته تا آیندگان از آن بهره ببرند[۲] و بدین ترتیب، دیدگاه خود را درباره اهمیت تاریخ و تاریخ‌نگاری به‌وضوح بیان کرده و تاریخ را ابزاری برای عبرت‌آموزی آیندگان دانسته است. علاوه بر مشاهدات شخصی وی، در این کتاب تعداد زیادی از اسناد و نامه‌های رسمی بدون هیچ کم و کاستی آورده شده‌اند[۳] که نشان‌دهنده دقت سلطان جهان بیگم برای بیان واقعیت‌های مربوط به تاریخ آن دوره است. هرچند، وی این کتاب را دفتر چهارم *تاج الاقبال* دانسته که مادرش شاهجهان بیگم پیش از مرگ درصدد نوشتن آن بوده، اما مطالب کتاب صرفاً ادامه مطالب دفتر سوم *تاج الاقبال* نیست. سلطان جهان بیگم تاریخ بوپال را به دو مرحله یعنی از آغاز شکل‌گیری حکومت نواب بوپال تا امضای توافقنامه بین انگلستان و نظر محمدخان و مرحله پس از توافق تقسیم کرده است. وی مرحله دوم را دارای اهمیت تاریخی دانسته و ازآنجایی‌که سکندر بیگم را آغازگر دوره پیشرفت و ترقی حکومت نواب بوپال در دوره دوم دانسته، کتاب *تزک سلطانی* را با شرح حکومت او آغاز کرده است.[۴]

تزک سلطانی حوادث مربوط به دوران حکومت سکندر بیگم، نواب باقی محمدخان و

---

۱ برای نمونه‌های متعددی از این نامه‌ها و اسناد نک: ادامه مقاله.

۲ سلطان جهان بیگم (۱۳۲۸)، *تزک سلطانی (یعنی دفتر چهارم تاج الاقبال)*، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، تمهید، صص۴-۵.

۳ برای نمونه‌هایی از اسناد و منابع مورد استفاده سلطان جهان بیگم در این اثر نک: تزک سلطانی، همان، صص۲۱، ۶۳، ۷۴-۹۰

۴ همان، صص۶، ۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

حوادث مربوط به حکومت شاهجهان بیگم و همچنین زندگی خودش تا پیش از بـه قـدرت رسیدن را دربر دارد. هرچند این کتاب به‌صورت مستقل و با عنـوان *تـزک سـلطانی* ترجمـه نشده، اما بخش نخست کتاب *شرح زندگی من گوهر اقبـال*[1] کـه شـامل نـوزده فصـل و ۲۰۴ صفحه است در واقع ترجمه انگلیسی کتاب *تزک سلطانی* است که در سال ۱۹۱۱م./۱۳۲۹ق. توسط پین[2] از مأموران بریتانیا در بوپال ترجمه شده و در سال ۱۹۱۲م./۱۳۳۰ق. در لنـدن بـه چاپ رسیده است.[3]

سلطان جهان بیگم پس از نوشتن کتاب *تزک سلطانی* که همراه با کتاب *تاج الاقبال*، تاریخ نواب بوپال را تا پیش از به سلطنت رسیدن خودش دربر می‌گرفت، برای تکمیل تاریخ نـواب بوپال به نوشتن کتاب‌هایی در شرح حوادث مربوط بـه حکومـت خـود پرداخـت. هرچنـد، سلطان جهان بیگم در کتاب *گوهر اقبال* به شرح حوادث هفت سال نخست حکومتش از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۵ق. به‌صورت سال‌شمار و بـا ذکـر دقیـق تـاریخ حـوادث و رویـدادها و بیـان جزئیات پرداخته است، اما در تمهید (مقدمه)، کتاب به حوادث مربوط به سال‌های ۱۲۸۹ق. (سالی که مطالب کتاب *تاج الاقبال* به آن ختم شـده) تـا ۱۳۱۸ق. (وفـات مـادرش شـاهجهان بیگم)، به‌صورت مختصر اشاره‌کرده است.[4] *گوهر اقبـال* در ۵۶ بـاب (فصـل)، بـه زبـان اردو نوشته شده و در ۱۳۳۱ق. به چاپ رسیده است. سلطان جهان بیگم در ایـن کتـاب عـلاوه بـر اینکه به شرح رویدادهای مرتبط بازندگی خود چون تولد فرزندانش پرداخته بـه اصـلاحاتی که در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی طی این هفت سال انجام داده نیز اشاره‌کرده است. معمولاً در این کتاب نیز وی از اسناد و نامه‌هـای رسـمی بـه‌عنـوان یکـی از اصلی‌ترین منابع خود بهره برده است.[5] ازجمله اصلاحاتی که سلطان جهان بیگم در ایـن دوره انجام داده و شرح آن را در این کتاب آورده می‌توان به توجه او به آموزش دختران بـه شـیوهٔ مدرن و ساخت مدارس مخصوص آنان به‌رغم وجود مخالفت‌ها، ساخت «مدرسه صـنعت و

---

1 *An account of my life (Gohur-i-Ikbal)*.

2 Payne.

۳ برای این موضوع، قس: فهرست مطالب متن اردوی *تزک سلطانی*، صص۱-۳، با Nawab Sultan Jahan Begam (1912), *an account of my life(Gohur-i-Ikbal)*, translated by: C.H.Payne, London: John Marray, Part I, pp. vii-X.

۴ سلطان جهان بیگم، (۱۹۱۳/۱۳۳۱)، *گوهر اقبال*، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، تمهید، صص د، ی.

۵ برای نمونه‌ای از این نامه‌ها و اسناد نک: سلطان جهان بیگم، همان، ص۱۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

حرفت اناث» برای دختران، ساخت مدارس نظامی و ایجاد مدرسه طب یونانی برای احیای طب یونانی در هند اشاره کرد.[۱] کتاب مانند دیگر کتاب‌های بیگم‌ها اطلاعاتی نیز درباره روابط بین انگلیسی‌ها و بیگم‌های بوپال دارد که غالباً منبع اصلی اطلاعات مربوط به این بخش نیز اسناد رسمی است که بین وی و مأموران بریتانیای هند ردوبدل شده است.[۲] *گوهر اقبال* توسط پین مأمور سیاسی بریتانیا در بوپال در سال ۱۹۱۱م./۱۳۲۹ق. به انگلیسی ترجمه شده و در سال ۱۹۱۲م./۱۳۳۰ق. با عنوان *شرح زندگی من گوهر اقبال* در لندن به چاپ رسیده است.[۳]

اختر اقبال ازجمله دیگر آثار سلطان جهان بیگم است که به زبان اردو نوشته شده و به‌عنوان «حصه دوم *گوهر اقبال*» در سال ۱۹۱۵م./ ۱۳۳۲ق. به چاپ رسیده است. کتاب به حوادث سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۱ق.؛ یعنی سال‌های هشتم تا دوازدهم حکومت سلطان جهان بیگم، به شیوه سال‌شمار پرداخته و حوادث مربوط به هر سال را ذیل همان سال و در ادامه گوهر اقبال آورده است.[۴] کتاب تصویری کلی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دوره را با ذکر دقیق جزئیات ارائه می‌کند. ازجمله ویژگی‌های اصلی این کتاب ارائه تصویری کامل از اقدامات سلطان جهان بیگم به‌ویژه درزمینهٔ توجه به تعلیم و تربیت دختران و ساخت مدارس دخترانه و مدرسه مخصوص پرستاران زن در بوپال است.[۵] علاوه بر مطالب فوق از دیگر موضوعات مهم کتاب، شرح سفر نخست سلطان جهان بیگم به انگلستان و حضور در لندن و کاخ باکینگهام[۶] به‌منظور تبریک به سلطنت رسیدن جرج پنجم است.[۷] سلطان جهان

---

۱ برای نمونه‌هایی از اصلاحاتی که سلطان جهان بیگم در زمینه‌های مختلف چون توجه به آموزش زنان به شیوه نوین و ساخت مدارس دخترانه با معلمان زن، ساخت مدرسه طب یونانی و ساخت مدرسه نظامی نک: سلطان جهان بیگم، *گوهر اقبال*، صص۱۰۹-۱۲۱، ۱۵۳-۱۷۶، ۲۳۰-۲۳۲.

۲ برای نمونه‌هایی از این اسناد و مدارک که در این کتاب مورد استفاده قرارگرفته شده است نک: سلطان جهان بیگم، همان، صص۲۹۸-۲۹۹، ۳۲۰-۳۲۳.

۳ همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد ترجمه فوق در واقع هردو کتاب *تزک سلطانی* و *گوهر اقبال* را دربر دارد و بخش دوم این ترجمه، ترجمه متن کتاب *گوهر اقبال* است. نک: فهرست مطالب متن انگلیسی کتاب:
Nawab Sultan Jahan Begam (1912), *an account of my life (Gohur-i-Ikbal)*, Part II, pp. xi-xiii.

۴ سلطان جهان بیگم، (۱۹۱۳/۱۳۳۲)، *اختر اقبال*، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره، دیباچه، صص۳-۴.

۵ همان، صص۴-۸، ۲۱-۲۴؛ برای آشنایی بیشتر با مراکز آموزش و مدارس نوین زنانه نک:
An Account of My Life Akhtar Iqbal (2012), translated by: C.H. Payne, New Delhi: Niyogi Books, pp. vii-xiii

6 Buckingham Palce

۷ سلطان جهان بیگم، *اختر اقبال*، صص۱۳۵-۱۴۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

بیگم *اختر اقبال* را ادامه *تاج الاقبال* و *گوهر اقبال* دانسته و معتقد است که از طریق این سه کتاب می‌توان تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت نواب بوپال را از آغاز شکل‌گیری تا زمان نوشتن کتاب دنبال کرد.[۱] در این کتاب نیز مهم‌ترین منبع مورد استفاده، اسناد و نامه‌های رسمی است که متن آن‌ها در موارد متعدد ثبت‌شده است.[۲] کتاب *اختر اقبال* با عنوان *شرح زندگی من اختر اقبال*[۳] توسط پین، مأمور سیاسی بریتانیا در بوپال به انگلیسی ترجمه شده و در بیست‌ودو فصل به چاپ رسیده است.

حیات شاهجهانی از دیگر آثار سلطان جهان بیگم است. همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید سلطان جهان بیگم در این کتاب به شرح زندگی و حوادث مربوط به حکومت مادرش شاهجهان بیگم از آغاز تا زمان مرگ او در هفت باب پرداخته است. سلطان جهان بیگم در دیباچه کتاب، نوشتن کتابی درباره مادرش را از وظایف خود دانسته و با صراحت و صداقت تأکید می‌کند که در این کتاب به اختلافات بین خودش و مادرش نپرداخته تا آن‌ها فراموش شوند.[۴] با توجه به اینکه دفتر سوم کتاب *تاج الاقبال* که به دوره حکومت شاهجهان بیگم اختصاص دارد تنها تا اوایل ۱۲۸۹ق. (سال تألیف کتاب) را دربر گرفته، *حیات شاهجهانی* را می‌توان تکمیل‌کننده دفتر سوم *تاج الاقبال* دانست. کتاب اطلاعات مهمی درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکومت شاهجهان بیگم دارد. چنانکه به موضوعاتی چون ساخت مدارس دخترانه «سلیمانیه»، «جهانگیریه» و «بلقیسیه» و نیز ساخت «مطبعه شاهجهانی» که توسط شاهجهان بیگم برای چاپ متون دینی و کتاب‌های درسی ساخته شده بود، اشاره کرده است.[۵] معرفی آثار منظوم و منثور شاهجهان بیگم از دیگر مطالب کتاب *حیات شاهجهانی* است[۶]. بررسی روابط بین شاهجهان بیگم با انگلیسی‌ها و القاب و نشان‌هایی که انگلیسی‌ها به او داده‌اند و نیز نقش انگلیسی‌ها در اصلاحاتی که شاهجهان بیگم انجام داده ازجمله موضوعاتی است که در باب‌های سوم تا ششم کتاب به آن پرداخته‌شده است. در این

---

۱ همان، دیباچه، صص۳-۴.

۲ برای نمونه‌هایی از این اسناد و نامه‌های رسمی نک: صص۴۰-۴۱، ۷۸-۸۲

3 *an account of my life Akhtar Iqbql*.

۴ سلطان جهان بیگم، *حیات شاهجهانی*، دیباچه، صص۱-۲.

۵ همان، صص۳۹-۴۱.

۶ همان، صص۱۵۰-۱۵۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

کتاب نیز یکی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده نامه‌ها و اسناد رسمی است که در مواردی متن آن‌ها در کتاب آورده شده است.[۱] کتاب *حیات شاهجهانی* در سال ۱۹۲۶م./۱۳۴۵ق توسط گوزال[۲] در بوپال به انگلیسی ترجمه شد و در بمبئی به چاپ رسید.

تذکره باقی کتاب دیگری است که توسط سلطان جهان بیگم در شرح حوادث مربوط به زندگی پدرش نواب باقی محمدخان نوشته شد و در سال ۱۹۱۵م./۱۳۳۳ق. به زبان اردو به چاپ رسید. سلطان جهان بیگم در دیباچه کتاب به علاقه‌اش برای نوشتن تاریخ بوپال اشاره کرده و به همین خاطر، پس از نوشتن کتاب *حیات شاهجهانی*، این کتاب را نوشته است. وی در مقدمه کتابش تأکید می‌کند که قصد داشته کتابی مفصل درباره زندگی و اقدامات پدرش بنویسد، اما به دلیل از بین رفتن بسیاری از اسناد و مدارک آن دوره و فقدان اطلاعات لازم، موفق به انجام این کار نشده است.[۳] تأکید وی بر این موضوع و الزام به استفاده از منابع مستند نشان می‌دهد که وی تلاش داشته تا به‌صورت مستند و دقیق به تاریخ نواب بوپال بپردازد. به همین دلیل، به‌رغم میل شخصی موفق نشد کتابی مفصل درباره زندگی و اقدامات پدرش تألیف کند و بنابراین در کتابی مختصر که شامل یک دیباچه و دو حصه (فصل) است در نود و دو صفحه به این دوره از تاریخ نواب بوپال پرداخته است.[۴] وی در مقدمه کتاب تأکید می‌کند که این مطالب مختصر را نیز از منابع گوناگونی چون اسناد باقی‌مانده از دوره پدرش، مشاهدات و اطلاعات شخصی خودش و روایت‌های شاهدان جمع‌آوری کرده است. در حصه اول، مؤلف به موضوعاتی چون معرفی خاندان باقی محمدخان، تولد او و ازدواجش با شاهجهان بیگم پرداخته و در حصه دوم نیز به ویژگی‌های شخصیتی او چون شجاعت و توجه او به علم و دانش پرداخته است. کتاب *تذکره باقی* توسط رشید ظفرخان به انگلیسی ترجمه شده و در ۱۹۲۹م. به چاپ رسیده است.

حیات قدسی کتاب دیگر سلطان جهان بیگم، در شرح زندگی و حکومت قدسیه بیگم نخستین حاکم زن بوپال نوشته شده است. سلطان جهان بیگم در دیباچه کتاب دلایل متعددی

---

۱ برای نمونه‌هایی از اسناد و نامه‌های رسمی به کار رفته در این کتاب نک: همان، ص۱۶-۱۷.

2 Ghosal.

۳ سلطان جهان بیگم، (۱۳۳۳/۱۹۱۵)، *تذکره باقی یعنی سوانح عمری نظیرالدوله امرادوله نواب باقی محمدخان صاحب بهادر نصرت جنگ*، به اهتمام مولوی حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، دیباچه، صص الف، ب، ج.

۴ سلطان جهان بیگم، همان، دیباچه، صص ب، ج.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

چون دینداری قدسیه بیگم و اینکه شرح زندگی او می‌تواند چراغ هدایتی برای آیندگان باشد را از دلایل خود برای نوشتن این کتاب دانسته است. ظاهراً وی در نوشتن این کتاب با مشکل کمبود منابع و اطلاعات روبه‌رو بوده و به همین خاطر تأکید می‌کند که هرچند بنابر توالی تاریخی باید ابتدا این کتاب را می‌نوشته و سپس کتاب *حیات شاهجهانی* را، اما به دلیل اینکه بیشتر اسناد و منابع مکتوب مربوط به دوره قدسیه بیگم از بین رفته بوده‌اند و از طرفی کسب اطلاعات به‌صورت شفاهی نیز زمان‌بر بوده ابتدا *حیات شاهجهانی* را نوشته و سپس با جمع‌آوری مدارک موردنیاز که البته وقت‌گیر هم بوده *حیات قدسی* را به کمک اسناد باقی‌مانده و اطلاعات شفاهی و نیز اطلاعات شخصی که خودش داشته تألیف کرده است.[۱] تأکید وی بر این موضوع که به دلیل نداشتن منابع و اطلاعات لازم، تألیف این کتاب را به تأخیر انداخته تا مدارک موردنیاز را جمع‌آوری کند نشان می‌دهد که وی برای مستند و صحیح بودن مطالبی که تألیف می‌کرده اهمیت بسیاری قائل بوده و در صورت نبود اطلاعات لازم از تألیف کتاب خودداری می‌کرده است. همچنین، وی در ادامه منابعی را که برای تألیف این کتاب از آن‌ها استفاده کرده منابع مکتوب چون اسناد و مدارک رسمی و نیز منابع شفاهی که از افراد موثق جمع‌آوری می‌کرده دانسته است و بدین ترتیب، منشأ اطلاعات مورداستفاده‌اش را مشخص کرده است.

حیات قدسی، علاوه بر دیباچه از دو حصه (فصل) تشکیل‌شده است. حصه اول از تولد قدسیه بیگم تا مرگ او را شامل می‌شود. از مطالب مهم این بخش از کتاب می‌توان به چگونگی به قدرت رسیدن قدسیه بیگم به‌عنوان نخستین حاکم زن بوپال و واکنش‌ها به این موضوع که درنهایت منجر به عزل قدسیه بیگم از قدرت شد، اشاره کرد. در این بخش متن تعداد زیادی از اسناد و نامه‌های رسمی بدون هیچ کم و کاستی به‌عنوان منابع اصلی اظهارات سلطان جهان بیگم آورده شده است. ازجمله این اسناد که در این کتاب آمده‌اند می‌توان به متن عهدنامه‌ای که به زبان فارسی نوشته شده و بر اساس آن قدسیه بیگم به‌عنوان نخستین حاکم زن در بوپال به حکومت منصوب‌شده و متن نامه‌ای که بر اساس آن انگلیسی‌ها پس از اختلافات داخلی بوپال، قدسیه بیگم را از حکومت عزل کرده‌اند، اشاره کرد. همچنین، متن نامه قدسیه بیگم که بر اساس آن قدرت را به نواب جهانگیرخان تفویض کرده و متن نامه

۱ *حیات قدسی*، به اهتمام مولوی محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی، دیباچه، صص الف، ب.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

جهانگیرخان در واگذاری جاگیر برای گذران امرارمعاش قدسیه بیگم ازجمله اسناد مهمی است که متن آن‌ها در این کتاب آمده است.[۱] حصه دوم کتاب به اصلاحات و اقدامات قدسیه بیگم چون ساخت شبکه آب‌رسانی بوپال و سپس بیان ویژگی‌های شخصیتی قدسیه بیگم چون نوع لباس پوشیدن و رفتار او با علما و دانشمندان پرداخته است. *حیات قدسی* توسط دیویز[۲] از مأموران سیاسی بریتانیا در بوپال به انگلیسی ترجمه شده و در ۱۹۱۸م. در لندن به چاپ رسیده است.

علاوه بر آثار فوق از شاهجهان بیگم سفرنامه‌ای نیز درباره شرح سفر او به مکه و مدینه برجای مانده است. سفرنامه با عنوان *روضة الریاحین من مسیر السلطان الی البلد الامین و مدینة النبی سید المرسلین* در ۱۳۲۷ق. و در دو دفتر (جلد) در یک مجلد و به زبان اردو به چاپ رسیده است. وی در مقدمه کتاب آن را به دو بخش کلی تقسیم کرده است. دفتر نخست به جغرافیای عربستان و سپس تاریخ کعبه و مسجد النبی از آغاز ساخت آن‌ها تا زمان مؤلف اختصاص دارد، و دفتر دوم نیز به شرح سفر سلطان جهان بیگم از هند به عربستان اختصاص‌یافته است. هرچند، دفتر نخست کتاب از جهت تاریخی اعتبار چندانی ندارد، اما در ادامه دفتر اول، بخشی تحت عنوان «تتمه دفتر اول» وجود دارد که از اهمیت بیشتری نسبت به مطالب قبل از آن برخوردار است. ازجمله مطالب این بخش از سفرنامه می‌توان به معرفی انواع سکه‌های رایج در عربستان و بیان جنس، وزن و مقایسه آن‌ها با روپیه اشاره کرد.[۳] همچنین وی به برخی از آیین‌ها و آداب‌ورسوم، چون آیین ورود به خانه کعبه اشاره کرده است. سلطان جهان بیگم جدولی را آورده که ماه، روز و ساعت ورود مردها و زن‌ها به کعبه در آن ثبت شده و اصل این جدول بر روی دیوار کعبه نصب بوده است.[۴] آیین شستشوی کعبه که به گفته سلطان جهان بیگم هر سال سه مرتبه انجام می‌شده و نیز تعویض پرده کعبه که سالی یک بار انجام می‌شده از دیگر آیین‌هایی است که به آن پرداخته است و اشاره می‌کند که خانه کعبه دو پرده داشته که پرده بالایی بر اساس این آیین، هرسال تعویض می‌شده

۱ برای اسناد و نامه‌های فوق، نک: همان، صص ۲۴-۲۵، ۱۰۵-۱۱۳.

2 Davis.

۳ سلطان جهان بیگم، (۱۳۲۷)، *روضة الریاحین من مسیر السلطان الی البلد الامین و مدینة النبی سید المرسلین*، به اهتمام حافظ کرامت الله، بهوپال: مطبع سلطانی، دفتر اول، صص ۸۶-۹۱.

۴ همان، صص۱۳۰-۱۳۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

و پرده دیگری که زیر آن قرار داشته تنها پس از به سلطنت رسیدن سلطان جدید تعویض می‌شده است.[۱]

دفتر دوم سفرنامه به شرح سفر سلطان جهان بیگم از بوپال به مکه و مدینه پرداخته است. این بخش از سفرنامه بیش از اینکه به شرح سفر بپردازد و ازاین‌جهت مهم باشد به دلیل آوردن متن نامه‌هایی که سلطان جهان بیگم پیش از سفر و در ضمن سفر برای فراهم کردن شرایط سفر نوشته و برای انگلیسی‌ها و نیز شریف مکه و پاشاهای مکه و مدینه فرستاده و پاسخ آن‌ها به این نامه‌ها، اهمیت دارد.[۲] سفرنامه سلطان جهان بیگم با عنوان *داستان سفر به حجاز*[۳] به انگلیسی ترجمه شده و در سال ۱۹۰۹م. در کلکته به چاپ رسیده است.

نتیجه‌گیری

پس از تضعیف حکومت مغولان هند و شکل‌گیری حکومت‌های محلی متعدد در هند و نیز قدرت یافتن بریتانیا در آنجا، تغییرات اساسی در امور مختلف هند ازجمله در تاریخ‌نگاری پدید آمد که از مهم‌ترین این تغییرات، نقش یافتن حکومت‌های محلی و انگلیسی‌ها در تدوین تاریخ هند بود. پس‌ازاینکه بر اساس توافقنامه‌ای با انگلیسی‌ها، نواب بوپال تحت‌الحمایگی آن‌ها را پذیرفتند، سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌ها با تشویق و پیشنهاد انگلیسی‌ها به سکندر بیگم، برای تألیف کتابی جامع درباره نواب بوپال آغاز شد. سکندر بیگم حدود ۱۷ سال از عمرش را صرف جمع‌آوری منابع لازم برای نوشتن این کتاب کرد. اما پیش از اتمام کتاب درگذشت و سنت تاریخ‌نگاری بیگم‌های بوپال با نوشتن کتاب *تاج الاقبال* توسط شاهجهان بیگم به‌صورت رسمی شکل گرفت. هرچند شاهجهان بیگم به منابع مورد استفاده خود اشاره‌ای نمی‌کند، اما با توجه به اینکه وی در مقدمه کتاب، *تاج الاقبال* را تلاشی برای تکمیل اثر ناتمام مادرش دانسته به نظر می‌رسد از منابعی که مادرش طی ۱۷سال جمع‌آوری کرده بهره برده است. با توجه به نبود منبعی مستقل درباره نواب بوپال این کتاب مهم‌ترین منبع درباره این سلسله تا زمان تألیف به شمار می‌رفت و متن فارسی، اردو و ترجمه انگلیسی کتاب نیز به چاپ رسید.

---

۱ همان، صص ۱۳۲-۱۳۵.

۲ برای نمونه‌هایی از این نامه‌ها نک: همان، دفتر دوم، صص۱۸-۴۰، ۱۸۰-۱۸۲، ۱۹۵-۱۹۹.

3 *The Story of Pilgrimage to Hijaz*.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

تألیف آثار تاریخی درباره بیگم‌های بوپال در زمان سلطان جهان بیگم آخرین بیگم بوپال به اوج خود رسید و آثار متعددی چون *تزک سلطانی*، *حیات شاهجهانی*، *حیات قدسی*، *گوهر اقبال* و *اختر اقبال* توسط وی نگاشته شد. سلطان جهان بیگم نوشتن تاریخ بوپال را باهدف پندآموزی آیندگان، مهم‌ترین وظیفه خود می‌دانست. وی در آثار خود تأکید بسیاری بر لزوم مستند بودن نوشته‌هایش داشت به‌نحوی‌که در مواردی چون تألیف کتاب *تذکره باقی* و *حیات قدسی* ازآنجاکه منابع لازم برای نوشتن این آثار در دسترس نبود، کار تألیف این دو اثر را تا جمع‌آوری منابع لازم به تأخیر انداخت. وی در آثارش منابع مورد استفاده را به سه بخش اصلی یعنی اسناد و نامه‌های رسمی، مشاهدات شخصی و اطلاعات مأخوذ از افراد موثق تقسیم می‌کند. امروزه در کنار اسناد و کتاب‌های انگلیسی، آثار بیگم‌های بوپال مهم‌ترین منابع پژوهش درباره تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نواب بوپال به شمار می‌روند و با توجه به همین موضوع، تمامی این آثار به انگلیسی ترجمه و چاپ‌شده‌اند و به‌عنوان اصلی‌ترین منابع تحقیق توسط پژوهشگران غربی مورد استفاده قرارمی‌گیرند.

منابع و مآخذ

- آفتاب، اصغر (۱۳۶۴)، *تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- حسن‌آبادی، اکرم (۱۳۸۸)، «گزارش سفر حج بانوی هندی شاهجهان بیگم، در سال ۱۲۸۰ق»، *پیام بهارستان*، د۲، س۱، ش۳.
- سکندر بیگم [بی‌تا]، *آیین سکندری*، بهوپال.
- سلطان جهان بیگم (۱۳۲۷ق)، *روضة الریاحین من مسیر السلطان الی البلد الامین و مدینة النبی سید المرسلین*، به اهتمام حافظ کرامت الله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- ـــــــ(۱۳۲۸ق)، *تزک سلطانی (دفترچهارم تاج الاقبال)*، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- ـــــــ(۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م)، *گوهر اقبال*، به اهتمام محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- ـــــــ(۱۹۱۳/۱۳۳۲م)، *اختر اقبال یعنی (حصه دوم گوهر اقبال)*، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره.
- ـــــــ(۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م)، *حیات شاهجهانی*، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، آگره.
- ـــــــ(۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م)، *تذکره باقی یعنی سوانح عمری نظیرالدوله امراودوله نواب باقی محمدخان صاحب بهادر نصرت جنگ*، به اهتمام مولوی حمید الله، بهوپال: مطبع سلطانی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]

- ـــــ (۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م)، *حیات قدسی*، به اهتمام مولوی محمد حمیدالله، بهوپال: مطبع سلطانی.
- شاهجهان بیگم (۱۲۸۹)، *تاج الاقبال(تاریخ ریاست بهوپال)*، (متن فارسی)، به اهتمام محمدعبدالرحمن‌بن-حاجی‌محمد روشن‌خان، کانپور: مطبعه نظامی.
- ـــــ (۱۲۸۹)، *تاج الاقبال (تاریخ ریاست بهوپال)*، (متن اردو)، چاپ محمد عبدالرحمن‌بن‌حاجی محمدروشن‌خان، کانپور: مطبعه نظامی.
- شیمل، آنه ماری (۱۳۸۶)، *در قلمرو خانان مغول*، ترجمهٔ فرامرز نجد سمیعی، تهران: امیرکبیر.
- فیروزشاه تغلق (۱۹۵۴)، *فتوحات فیروزشاهی*، تصحیح شیخ عبدالرشید، علی گره: مسلم یونیورستی.
- گلبدن بانو (۱۳۸۳)، *گلبدن نامه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات ثریا.
- منظور الاجداد، محمد حسین؛ آقاجری، هاشم؛ مفتخری، حسین و طرفداری، منصور (۱۴۳۱/۲۰۱۰ق.)، «البیغمات او الملکات لبهوبال و استعمار الانجلیز»، *مجلة العلوم الانسانیة الدولیة*، العدد۱۷(۴)، صص ۴۱-۳۳.
- منهاج سراج جوزجانی (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

- Nawab Sikandar Begum (1870), *A Pilgrimage To Mecca*, translated by: Mrs. Willoughby- Osborne, Followed by A Historical sketch of the reigning family of Bhopal BY Lieut-col. Mrs. Willoughby- Osborne, C.B. Political Agent in Bhopal, and an appendix translated by: The Rev. William Wilknson, London: WM. H. Allen & Co.
- Nawab Sultan Jahan Begam, (1929), *Tazkira Baqi*, translated by: Nawabzada Rashiduzzafar Khan, Calcutta:Tackers Press & Directories.
- ----- (1912), *An account of my life (Gohur-i- Ikbal),* translated by: C. H. Payne, London: John Marray.
- ----- (2012), *An Account of My Life Akhtar Iqbal*, translated by: C. H. Payne, New Delhi: Niyogi Books.
- ----- (1918), *Hayat-i-Qudsi*: *life of the Nawab Gauhar Begum alias the Nawab Begum Qudsia*, translated by: W. S. Davis, London: Kegan Paul, Trench, Trubner & Co. Ltd.
- ----- (1926), *Hayat-I-Shahjehani*, translated by: B. Ghosal, Bombay: the Times Press.
- ----- (1909), *The Story of a Pilgrimage to Hijaz*, Calcutta: Thacker, Spink & Co.
- *The Imperial Gazetteer of India* (1908), Oxford: Clarendon Press.
- Claudia Preckel (2011), "BHOPAL" EI^3, Vi., Leiden. Boston: Brill.
- Shaharyar, M. Khan (2000), *The Begums of Bhopal a Dynasty of Women Rulers in Raj India*, New York-London: I.B.Tauris.
- Shahjahan Bgum (1876), *Taj-ul Ikbal Tarikh Bhopal or The History of Bhopal*, Translated by: H. C. Barstow, Calcutta: Thackers, Spink and Co.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.3.1]